

بررسی تأثیر انسجام و انعطاف پذیری خانواده بر شکل‌گیری هویت در جوانان و نوجوانان شهر شیراز

محمدرضا رزمی*

پژوهش حاضر با هدف تعیین تأثیر سطوح بالا و پایین انسجام و انعطاف پذیری خانواده بر شکل‌گیری هویت در ابعاد «تعهد» و «اکتشاف»، و حیطه‌های «ایدئولوژیک» و «بین فردی»، انجام گرفت. نمونه‌ی مورد مطالعه ۵۵۱ نفر از دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های شیراز و دانشجویان سازه اول دانشگاه شیراز بود. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارت بودند از: پرسشنامه‌های «انسجام خانواده»، «انعطاف‌پذیری مثبت» و «فرایند هویت خود» (EIPQ). نتایج به‌دست آمده حکایت از آن داشتند که سطوح بالا و پایین انسجام خانواده تأثیر معنی‌داری بر نمرات «تعهد بین فردی» داشته‌اند. در زمینه «اکتشاف ایدئولوژیک» نتایج نشان داد که بین دختران و پسران از لحاظ میانگین این نمرات تفاوت معنی‌داری وجود دارد، و متغیرهای جنسیت و سطوح انعطاف‌پذیری خانواده (بالا و پایین) نیز تأثیر تعاملی معنی‌داری بر میانگین نمرات مذکور داشته‌اند. در زمینه‌ی نمرات «اکتشاف بین فردی»، سطوح بالا و پایین انسجام خانواده، تأثیر متفاوت و معنی‌داری بر میانگین این نمرات داشته است. در ضمن، سطوح بالا و پایین انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده به‌صورت تعاملی بر این نمرات تأثیر معنی‌دار داشته‌اند. به‌طور کلی این پژوهش نشان داد که انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده، به‌گونه‌ای معنی‌دار، شکل‌گیری هویت نوجوانان دختر و پسر را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

مفاهیم کلیدی: انسجام خانواده، انعطاف‌پذیری خانواده، هویت

* کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

فصلنامه مطالعات جوانان، شماره ۷، تابستان و پاییز ۱۳۸۳، صص: ۱۱۴-۱۳۰

مقدمه و مبانی نظری تحقیق

یکی از مسائل مهم تحولی انسان، روند شکل‌گیری هویت^۱ است؛ این فرایند از بدو تولد آغاز می‌گردد و در دوران نوجوانی به اوج خود می‌رسد. ویلیام گلاسر^۲ (۱۳۸۰) اعتقاد دارد که «هویت عبارت است از نیاز به احساس جدا و متمایز بودن از دیگران». به نظر او این نیاز تنها نیاز روانی و اساسی انسان است که همه مردم و در همه فرهنگها از بدو تولد تا مرگ دارا می‌باشند. بعد از جیمز، «اریکسون»^۳ (۱۹۰۲ - ۱۹۹۴) در نظریه «روانی - اجتماعی» خود از هویت صحبت به میان می‌آورد. او نخستین کسی بود که هویت را به عنوان دستاورد مهم شخصیت نوجوانی و گامی مهم به سوی تبدیل شدن به فردی ثمربخش و با نشاط، تشخیص داد (برک، ۱۳۸۲).

نظریه اریکسون

اریکسون روانکاو آمریکایی رشد روانی - اجتماعی فرد را به هشت مرحله تقسیم می‌کند که هر مرحله توانایی فرد را در جهت مثبت یا منفی تعیین می‌نماید. در میان مراحل که او تعیین کرد، مرحله پنجم با نوجوانی ارتباط می‌یابد. ویژگی این مرحله جستجوی خویشتن است که آن را مرحله «هویت در مقابل سردرگمی نقش»^۴ می‌خوانند و بر این باور است که نتایج موفقیت‌آمیز مراحل پیشین، زمینه را برای حل تعارض آماده می‌کند. بنابراین گرچه بذرهاي تشکیل هویت قبلاً کاشته شده‌اند، اما فرد تا نوجوانی مجذوب این تکلیف نمی‌شود (برک، ۱۳۸۲).

به عقیده‌ی اریکسون نوجوان برای استقرار هویتی که ثبات عاقلانه داشته باشد باید به این نوع سؤالات پاسخ دهد: من کیستم؟ که می‌شوم؟ چرا این یا آن نیستم؟ معنا دادن به هویت خود یعنی توانایی در نظر گرفتن آن چه هستیم و آن چه به عنوان یک مرد یا زن می‌شویم و در نظر گرفتن آن چه می‌خواهیم به عنوان حرفه یا شغل انجام دهیم، یعنی روشن کردن نظام باورها، ارزش‌ها و آرمان‌های خود، آگاهی یافتن از توانایی خود و شیوه استفاده از این توانایی در زندگی روزانه (وندرزندن^۵، ۱۳۷۶). اریکسون متذکر شد که هویت ممکن است از دوره منحرف شود. در برخی از افراد قبل از رسیدن به رشد

1. Identity

2. W.Glaser

3. Erickson

4. Identity versus role confusion

5. Vanderzenden

کامل، تثبیت شود (یعنی پیش از موعد شکل بگیرد)، یا اینکه بدون هیچ محدودیتی شکل بگیرد (ماسن^۱ و همکاران، ۱۹۹۲). در حالت اول که هویت «زودرس» نامیده می‌شود، نوعی وقفه و تثبیت در فرایند شکل‌گیری هویت است. برخلاف افرادی که دارای هویت زودرس هستند، دسته دیگری از نوجوانان یک دوره طولانی از «سردرگمی» هویت را تجربه می‌کنند و شاید هیچ‌گاه احساس هویتی قوی و روشن در آنها شکل نگیرد (همان). این گروه از نوجوانان نمی‌توانند خود را بیابند، خود را رها و فارغ از پیوند نگه می‌دارند و در حالت تجرد و در دوران پیش از شکل‌گیری هویت، باقی می‌مانند (دووان و آدلسون،^۲ ۱۹۹۶ به نقل از ماسن و همکاران، ۱۳۷۰).

یکپارچگی در نظریه اریکسون اهمیت خاصی دارد. این موضوع از معنی لغت هویت نیز برمی‌آید (که در لاتین به معنی یکسانی است). از سوی دیگر هویت به معنی مجموعه‌ای از همانندسازی‌های متعدد در طی رشد روانی - اجتماعی است. این امر بیانگر دو جنبه متقابل در مفهوم هویت است: هویت به عنوان مجموعه‌ای از نقش‌ها و همانندسازی‌ها، مستلزم وجود خودهای متعدد است؛ در حالی که یکی بودن، وحدت و فردیت مستلزم خود یکپارچه است. اما به واسطه رشد روانی این تقابل حل خواهد شد و «من» در فرایند رشد خود، یک شخصیت مستمر و پویا را سازمان می‌دهد که در این جریان، پیوستگی و ثبات «من» توسط دیگران درک می‌شود. نیل به این پیوستگی و ثبات هم به واسطه مفهومی خودآگاهانه از هویت فردی و هم به واسطه یک تلاش ناخودآگاه برای تداوم منش، و نیز یک مسئولیت مشترک درونی برای آرمان‌ها و هویت اجتماعی یک گروه صورت می‌گیرد (بریگر^۳، ۱۹۷۴ و آدامز^۴، ۱۹۹۹). اما مهم‌ترین روندهای هویت‌یابی را می‌توان «تعهد^۵» و «اکتشاف^۶» دانست (مارسیا^۷، ۱۹۸۷).

نظریه مارسیا

در نظریه مارسیا «وضعیت هویت»، ما حاصل رشد روانی - اجتماعی فرد تا اواخر نوجوانی و نتیجه بحران مرحله پنجم رشد، در نظریه اریکسون، است. برای تعریف

1. Musen

2. Dovan & Adelson

3. Breger

4. Adams

5. Commitment

6. Exploration

7. Marcia

وضعیت هویت، مارسیا دو روند اساسی شکل‌گیری هویت در نظریهٔ اریکسون، یعنی «بحران» و «تعهد» را برجسته می‌کند. به تعبیر مارسیا، بحران مترادف با جستجو و به‌عنوان دوره‌ای از پرسش‌گری، بررسی، آزمایش نقش‌ها و آرمان‌های جایگزین تعریف می‌شود و برای دست‌یابی به هویت، گذراندن بحران اجتناب‌ناپذیر است. در این دیدگاه، تعهد عبارت از تثبیت و اتخاذ تصمیمات نسبتاً پایدار و سرمایه‌گذاری شخصی بر روی این تصمیمات است (آدامز ۱۹۹۹، بیشاپ^۱ و همکاران، ۱۹۹۷). مارسیا (۱۹۶۴)، به‌وسیلهٔ مصاحبهٔ نیمه ساختار یافته، وجود یا عدم وجود ابعاد «تعهد» و «اکتشاف» را در دو حیطهٔ «ایدئولوژیک» و «بین‌فردی» مورد سنجش قرار داد.

فرآیندهای شکل‌گیری هویت

از میان عوامل اجتماعی، برجسته‌ترین تأثیر را والدین و نظام خانواده بر هویت فرد و چگونگی شکل‌گیری آن اعمال می‌کنند. و این حوزه‌ای است که بیشترین تحقیقات راجع به آن انجام شده است. ساختار و محیط خانواده، نوع روابط و تعاریف در خانواده بطور اخص مورد بررسی قرار گرفته‌اند (آقا محمدیان، ۱۳۸۲).

سیگلمن^۲ (۱۹۹۹) بر آن است که بطور کلی شکل‌گیری هویت موفق در نوجوان محصول چهار عامل رشد شناختی، ارتباط با والدین، تجارب خارج از خانواده و زمینه‌های گسترده‌تر اجتماعی است که از بین این عوامل، نقش خانواده در شکل‌گیری هویت در بسیاری از تحقیقات مورد تأکید قرار گرفته است. به گونه‌ای که بسیاری از پژوهشگران معتقدند ارتباط نوجوان با والدین، شکل‌گیری هویت آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ماکستروم^۳ و دیگران، ۱۹۹۲ به نقل از سیگلمن، ۱۹۹۹). الگوی تعامل خانواده نیز بر رشد فرد در حیطهٔ هویت تأثیرگذار است (بارتل و هرینگ^۴، ۱۹۹۷).

مدل مدور ترکیبی^۵ آلسون^۶

یکی از کسانی که با دیدی سیستمی خانواده را مورد بررسی قرار داده، آلسون (۱۹۹۹) است. او بر همین مبنا مدلی مرکب از سیستم خانواده و روابط زناشویی ارائه

1. Bishop

2. Segelman

3. Makstrom and etal

4. Bartel - Hearing

5. Circumplex Model

6. Olson

کرده که در واقع پل ارتباطی ما بین نظریه و عمل است (همان). مدل آلسون، که بر سه بُعد خانواده تمرکز دارد، با انواع مختلف نظریه‌های خانواده و رویکردهای خانواده درمانی مرتبط است و نیز برای ارزیابی‌های کلینیکی، طرح‌های درمانی و درمان‌های مربوط به خانواده و زناشویی طراحی شده است (همان). ابعادی که در مدل آلسون بدان پرداخته شده است، مشتمل بر سه بُعد: انسجام^۱ خانواده، انعطاف‌پذیری^۲ خانواده، و ارتباطات^۳ در خانواده می‌باشند. این سه بعد در برگیرنده و برآمده از مفاهیم زیادی درباره خانواده، تعاملات و روابط آن است که بوسیله نظریه پردازان و درمان‌گران مختلف ارائه شده است.

منظور از انسجام خانواده «احساس همبستگی، پیوند و تعهد عاطفی است که اعضای یک خانواده نسبت به هم دیگر دارا هستند (همان). لینگرن^۴ (۲۰۰۳) انسجام را بصورت احساس نزدیکی عاطفی با افراد دیگر تعریف می‌کند، از نظر او دو کیفیت مربوط به انسجام در خانواده، مشتمل بر «تعهد» و «وقت گذراندن با هم دیگر» است.

بُعد دوم از نظریه آلسون انعطاف‌پذیری است که این‌گونه تعریف شده: «مقدار تغییراتی که در نقش‌ها، قوانین، کنترل و انضباط خانواده وجود دارد (آلسون، ۱۹۹۹). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این بعد تأکید بر روی ثبات در مقابل تغییرات است. وقتی که خانواده انعطاف‌پذیر است، رهبری و مدیریت خانواده بصورت دموکراتیک است و کمتر حالت استبدادی به خود می‌گیرد. جوانان در تصمیم‌گیری‌ها شرکت می‌کنند، و شغل در خانواده براساس سن و جنس پایه‌گذاری نشده است.

بدین ترتیب پژوهشی حاضر درصدد دستیابی به این هدف است که آیا جنسیت، سطوح مختلف انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده (بالا و پایین) به صورت تعاملی بر «تعهد ایدئولوژیک»، «تعهد بین فردی»، «اکتشاف ایدئولوژیک» و «اکتشاف بین فردی» افراد تأثیر دارند.

روش تحقیق

جامعه و نمونه آماری

براساس مبانی نظری تحقیق و مطالعات قبلی، آشکار شده است که حساس‌ترین

1. Cohesion
3. Communication

2. Flexibility
4. Lingren

سال‌ها در شکل‌گیری هویت سنین ۱۸-۱۶ سال است. به همین خاطر جامعه آماری مورد بررسی، افراد همین گروه سنی در دو مقطع تحصیلی زیر بودند:

- ۱- کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر که هنگام انجام این بررسی در پایه تحصیلی «سوم دبیرستان» از نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شیراز مشغول به تحصیل بودند.
- ۲- کلیه دانشجویان دختر و پسر «سال اولی» که هنگام انجام این بررسی، در دانشگاه شیراز مشغول به تحصیل بودند.

حجم نمونه حدود ۶۰۰ نفر بود که پس از اجرا، ۴۹ پرسش‌نامه به‌خاطر نقایص مختلف کنار گذاشته شد. از پرسش‌نامه‌های باقی‌مانده تعداد ۲۷۹ نفر پسر و ۲۷۲ نفر دختر بودند. از نظر مقطع تحصیلی نیز ۲۶۲ نفر از سال اول دانشگاه و ۲۸۳ نفر از سال سوم دبیرستان انتخاب شدند.

ابزارهای اندازه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از:

الف) پرسش‌نامه «فرایند هویت خود» (EIPQ): این مقیاس براساس نظریه‌های اریکسون (۱۹۶۳) و مارسیا (۱۹۶۴) به‌وسیله بالیستری و همکاران در سال ۱۹۹۵ ساخته شد. این آزمون دارای ۳۲ سؤال است که از این تعداد، ۲۰ سؤال به‌صورت مثبت و ۱۲ سؤال به‌صورت منفی ارائه شده است. این آزمون دو بعد «تعهد» و «اکتشاف» را در دو حیطه «ایدئولوژیک» و «بین‌فردی» اندازه‌می‌گیرد؛ پایایی این آزمون با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۰/۹۱) و ضریب بازآزمایی آزمون برابر (۰/۸۴) گزارش شده است (سامانی، ۱۳۸۲).

ب) پرسش‌نامه «انعطاف‌پذیری مثبت»: این آزمون با الهام از مدل ترکیبی آلسون (۱۹۹۹) درباره خانواده، به‌وسیله شاکری (۱۳۸۲)، ساخته شده است. آزمون شامل ۱۶ سؤال است که ضریب همسانی درونی مقیاس، با استفاده از آلفای کرونباخ معادل ۰/۸۹ گزارش شده است؛ نتیجه تحلیل عاملی این مقیاس نیز، تنها یک عامل عمومی (g) تحت عنوان «انعطاف‌پذیری» به‌دست داده است (شاکری، ۱۳۸۲).

ج) پرسش‌نامه «انسجام خانوادگی»: این مقیاس براساس مجموعه‌ای از متون موجود در باب همبستگی و با الهام از مدل ترکیبی آلسون (۱۹۹۹)، به‌وسیله سامانی (۱۳۸۱)، ساخته شده است. ضریب همسانی درونی مقیاس ۰/۸۵، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ و ضریب پایایی با روش بازآزمایی ۰/۸ گزارش شده است. ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر نیز ۰/۹۳ به‌دست آمد (سامانی، ۲۰۰۴).

تحلیل نتایج

۱- تأثیر تعامل جنسیت با سطوح انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده بر اکتشاف ایدئولوژیک
 برای بررسی تأثیر تعاملی متغیرهای جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده، بر نمرات «اکتشافات ایدئولوژیک» از آزمون آماری تحلیل واریانس سه طرفه استفاده شد که نتایج آن در جدول ذیل آمده است.

جدول شماره ۱. نتایج تحلیل واریانس متغیرهای جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده در تأثیر بر نمرات «اکتشاف ایدئولوژیک»

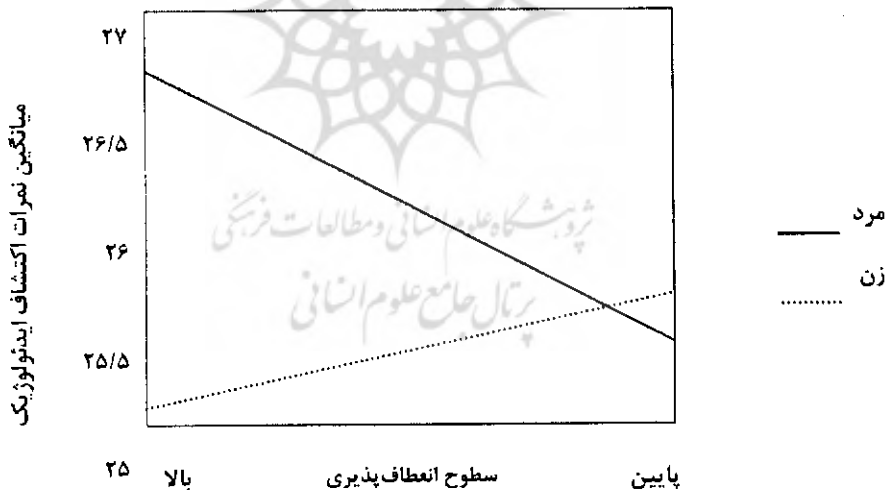
P<	F	MS	df	SS	منابع واریانس
۰/۰۱	۶/۳۶	۷۸/۵۹	۱	۷۸/۵۹	جنسیت
N.S	۰/۱۰	۱/۲۴۱	۱	۱/۲۴	سطوح انعطاف‌پذیری
N.S	۱/۷۴	۲۱/۵۲	۱	۲۱/۵۲	سطوح انسجام
۰/۰۳	۴/۵	۵۵/۶۳	۱	۵۵/۶۳	جنسیت × سطوح انعطاف
N.S	۱/۳۶	۱۶/۷۹	۱	۱۶/۷۹	جنسیت × سطوح انسجام
N.S	۰/۹۱	۱۱/۲۹	۱	۱۱/۲۹	سطوح انعطاف × سطوح انسجام
N.S	۰/۰۸	۱/۰۰	۱	۱/۰۰	جنسیت × سطوح انعطاف × سطوح انسجام
-	-	۱۲/۳۴	۴۷۱	۵۸۱۴/۹۸	خطا
-	-	-	۴۷۹	۳۲۶۹۳۵	کل

(N.S) عدم معنی‌داری

الف) نتایج نشان داد که بین دختران و پسران به لحاظ نمرات «اکتشاف ایدئولوژیک» تفاوت معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد ($P = ۰/۰۱$ و $F(۱, ۴۷۱) = ۶/۳۶$). با مقایسه میانگین‌های دختران و پسران متوجه می‌شویم که پسران نمرات بالاتری را در بُعد «اکتشاف ایدئولوژیک» نسبت به دختران بدست آورده‌اند. میانگین نمرات پسران

۲۶/۳۹ و میانگین نمرات دختران ۲۵/۴۸ می‌باشد.

ب) بررسی نتایج درباره تأثیر تعاملی متغیرهای جنسیت و سطوح انعطاف‌پذیری خانواده (بالا و پایین)، نشان داد که متغیرهای مذکور تأثیر تعاملی معنی‌داری را در سطح ۰/۰۵ بر نمرات «اکتشاف ایدئولوژیک» داشته‌اند ($F(471, 1) = 4/5$ و $P = 0/05$). میانگین نمرات «اکتشاف ایدئولوژیک» برای پسران در سطح بالای انعطاف‌پذیری خانواده ۲۶/۶ و در سطح پایین ۲۵/۸ است. در حالی که میانگین نمرات برای دختران در سطح بالای انعطاف‌پذیری ۲۵ و در سطح پایین ۲۵/۷ می‌باشد. ملاحظه می‌کنیم که پسران در سطح بالای انعطاف‌پذیری خانواده نمرات بالاتری را کسب کرده‌اند، ولی برای دختران، سطح پایین انعطاف‌پذیری خانواده نمرات بهتری را در زمینه «اکتشاف ایدئولوژیک» ایجاد کرده است. نمودار شماره (۱) نشانگر نحوه تعامل جنسیت و سطوح انعطاف‌پذیری خانواده در تأثیر بر نمرات «اکتشاف ایدئولوژیک» می‌باشد.



نمودار شماره ۱. تأثیر تعاملی جنسیت و سطوح انعطاف‌پذیری بر نمرات بعد «اکتشاف ایدئولوژیک»

۲- تأثیر تعامل جنسیت، سطوح انعطاف پذیری و انسجام خانواده بر اکتشاف فردی برای بررسی تأثیر تعاملی متغیرهای جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانواده بر نمرات «اکتشاف بین فردی» از آزمون آماری تحلیل واریانس سه طرفه استفاده شد که نتایج آن در جدول ذیل آمده است.

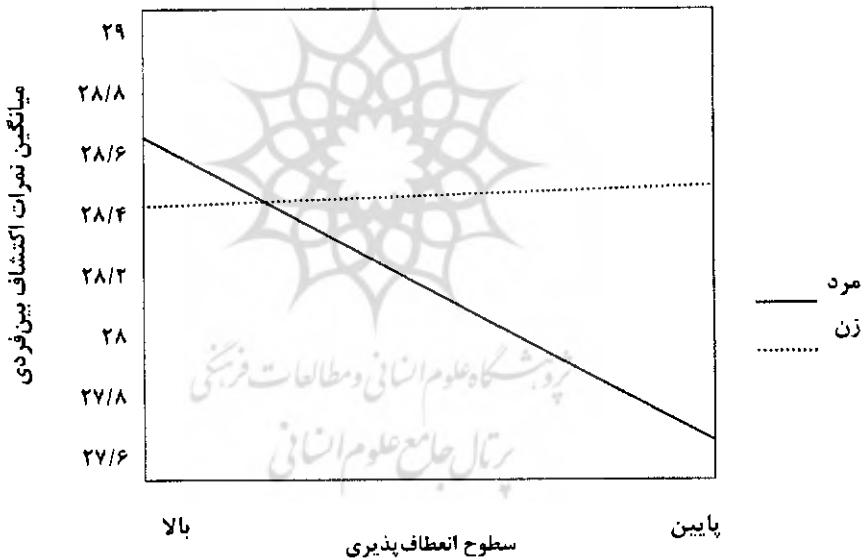
جدول شماره ۲. نتایج تحلیل واریانس متغیرهای جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده در تأثیر بر نمرات «اکتشاف بین فردی»

P<	F	MS	df	SS	منابع واریانس
N.S	۰/۰۰۵	۶/۳۷	۱	۶/۳۷	جنسیت
N.S	۰/۴۹۹	۶/۳۲	۱	۶/۳۲	سطوح انعطاف‌پذیری
	۵/۶۹۸	۷۲/۲	۱	۷۲/۲۳	سطوح انسجام
N.S	۲/۶۲۳	۳۳/۲۵	۱	۳۳/۲۵	جنسیت × سطوح انعطاف
N.S	۰/۳۱۹	۴/۰۴	۱	۴/۰۴	جنسیت × سطوح انسجام
۰/۰۱	۴/۹۷۴	۶۳/۰۴	۱	۶۳/۰۴	سطوح انعطاف × سطوح انسجام
N.S	۰/۵۷۴	۷/۲۷	۱	۷/۲۷	جنسیت × سطوح انعطاف × سطوح انسجام
-	-	۱۲/۶۷	۴۹۲	۶۲۳۶/۸	خطا
-	-	-	۵۰۰	۴۱۱۱۶۳	کل

الف) نتایج نشان می‌دهد که سطوح بالا و پایین انسجام خانواده تأثیر متفاوت و معنی‌داری را در سطح $P = 0/01$ بر نمرات «اکتشاف ایدئولوژیک» داشته است ($F = 5/7$) و میانگین نمرات «اکتشاف بین فردی» در سطح بالای انسجام خانواده $28/9$ و در سطح پایین انسجام خانواده $27/9$ است. ملاحظه می‌کنیم که سطح بالای انسجام خانواده نمرات بالاتری را نسبت به سطح پایین انسجام خانواده ایجاد کرده است.

ب) نتایج نشان می‌دهد که سطوح انعطاف‌پذیری خانواده (بالا و پایین) و سطوح

انسجام خانواده (بالا و پایین) به گونه‌ای تعاملی و در سطح $0/02$ بر نمرات «اکتشاف بین فردی» تأثیر معنی‌دار دارند ($P = 0/02$ و $F = 4/97$). تأثیر تعاملی بدین صورت بوده که وقتی سطح انعطاف‌پذیری خانواده بالاست، سطوح بالا و پایین انسجام خانواده تأثیر تقریباً یکسانی بر نمرات «اکتشاف بین فردی» دارند (میانگین نمرات در سطح بالای انسجام $28/7$ و در سطح پایین انسجام خانواده $28/6$ است). اما وقتی سطح انعطاف‌پذیری خانواده پایین است، سطوح بالا و پایین انسجام خانواده تأثیر متفاوتی بر نمرات «اکتشاف بین فردی» دارند (میانگین نمرات در سطح بالای انسجام $29/2$ و در سطح پایین انسجام خانواده $27/6$ است). (نمودار شماره ۲) چگونگی این تعامل را نشان می‌دهد



نمودار شماره ۲. تأثیر تعاملی سطوح انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده بر نمرات بُعد «اکتشاف بین فردی»

۳- تأثیر تعامل جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده بر تعهد ایدئولوژیک

برای بررسی تأثیر تعاملی جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانواده بر نمرات «تعهد ایدئولوژیک» از آزمون آماری تحلیل واریانس سه طرفه استفاده شده است که نتایج آن در جدول ذیل ارائه شده‌اند.

جدول شماره ۳. نتایج تحلیل واریانس متغیرهای جنسیت، سطوح انعطاف و سطوح انسجام در تأثیر بر نمرات «تعهد ایدئولوژیک»

P<	F	MS	df	SS	منابع واریانس
N.S	۰/۴۸	۹/۴۵	۱	۹/۴۵	جنسیت
N.S	۰/۵۸	۱۱/۳۴	۱	۱۱/۳۴	سطوح انعطاف‌پذیری
N.S	۳/۰۲	۵۸/۷۶	۱	۵۸/۷۶	سطوح انسجام
N.S	۰/۰۳	۰/۷۶	۱	۰/۷۶۱	جنسیت × سطوح انعطاف
N.S	۰/۱۲	۲/۴۵	۱	۲/۴۵	جنسیت × سطوح انسجام
N.S	۰/۰۴	۱/۴۳	۱	۱/۴۳۲	سطوح انعطاف × سطوح انسجام
N.S	۰/۰۱	۰/۲۲	۱	۰/۲۲	جنسیت × سطوح انعطاف × سطوح انسجام
-	-	۱۹/۴۰	۴۸۳	۹۳۷/۱۵	خطا
-	-	-	۴۹۱	۳۵۱۹۴۱	کل

ملاحظه می‌کنیم که هیچ‌کدام از متغیرهای جنسیت، انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده به صورت معنادار بر «تعهد ایدئولوژیک» تأثیر معنی‌دار نداشته‌اند. بیشترین تأثیر را انسجام خانواده بر تعهد ایدئولوژیک داشته است که آن هم به سطح معناداری آماری نرسیده است.

۴- تأثیر تعامل جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده بر تعهد بین فردی برای بررسی تعامل جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانواده در تأثیر بر نمرات «تعهد بین فردی»، از آزمون آماری تحلیل واریانس سه طرفه استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره (۴) ارائه شده است.

جدول شماره ۴. نتایج تحلیل واریانس متغیرهای جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده در تأثیر بر نمرات «تعهد بین فردی»

P<	F	MS	df	SS	منابع واریانس
N.S	۰/۰۷۳	۱/۳۵	۱	۱/۳۵	جنسیت
N.S	۰/۱۷۱	۳/۱۶۲	۱	۳/۱۶	سطوح انعطاف‌پذیری
۰/۰۰۱	۱۲/۹۳	۲۳۸/۹۷	۱	۲۳۸/۹۷	سطوح انسجام
N.S	۰/۱۳۷	۲/۵۳۳	۱	۲/۵۳	جنسیت × سطوح انعطاف
N.S	۰/۰۰۳	۶/۳۹۱	۱	۶/۳۹	جنسیت × سطوح انسجام
N.S	۰/۰۸۱	۱/۵۰۲	۱	۱/۵۰	سطوح انعطاف × سطوح انسجام
N.S	۰/۰۳۹	۰۰/۷۱۲	۱	۰/۷۱	جنسیت × سطوح انعطاف × سطوح انسجام
-	-	۱۸/۴۸۱	۴۷۵	۸۷۷۸/۳	خطا
-	-	-	۴۸۳	۳۸۵۸۶۴	کل

سطوح بالا و پایین انسجام خانواده تأثیر متفاوت و معنی‌داری را در سطح ۰/۰۰۱ بر نمرات «تعهد بین فردی» داشته‌اند ($P = ۰/۰۰۱$ و $F(۴۷۵,۱) = ۱۲/۹۳$). مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که هر چه انسجام خانواده بالاتر باشد، نمرات کسب شده در بُعد «تعهد بین فردی» بیشتر خواهد بود. میانگین نمرات «تعهد بین فردی» برای سطح بالای انسجام خانواده ۲۸/۶ و برای سطح پایین انسجام خانواده ۲۷/۱ است.

نتیجه‌گیری

تأثیر تعاملی جنسیت، سطوح انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده بر «اکتشاف ایدئولوژیک»:

الف) مشاهده می‌کنیم که میانگین نمرات «اکتشاف ایدئولوژیک» پسران به صورتی معنی‌دار، در سطح ۰/۰۱۲ از دختران بیشتر است. علت این نتیجه، شاید این موضوع باشد که دختران نسبت به پسران از نظر زمانی دیرتر به حیطه «ایدئولوژیک» ابعاد هویت

می‌پردازند و در عوض زودتر از پسران به حیطة «بین فردی» می‌پردازند (بیسکر و مارسیا، ۱۹۸۸ به نقل از مالیس، ۲۰۰۳). فول وایدِر، بوش و جاکوبز (۱۹۹۳) به نقل از مالیس، ۲۰۰۳) در نتایج تحقیقات خود گزارش کرده‌اند که دختران دانشجو نمرات کمتری در «اکتشاف» می‌گیرند. شاید علت دیگر این موضوع به نوع توقعات جامعه و محیط خانواده از دختران و پسران براساس نقش‌های جنسی برگردد؛ به نظر می‌رسد که در جامعه ما پرداختن به مسائل ایدئولوژیک، شک کردن و مورد سؤال قرار دادن آنها در پسران معمول‌تر و قابل پذیرش‌تر است و این‌گونه مسائل در دختران کمتر مورد استقبال واقع می‌شود.

ب) جنسیت و سطوح بالا و پایین انعطاف‌پذیری خانواده به صورت تعاملی و در سطح ۰/۰۳۴ بر نمرات «اکتشاف ایدئولوژیک» تأثیر معنی‌دار دارند. قبلاً مشاهده کردیم که جنسیت و سطوح انعطاف‌پذیری، تأثیر تعاملی معنی‌داری بر نمرات «اکتشاف» دارند. به این صورت که نمرات اکتشاف پسران در خانواده‌هایی با سطح پایین انعطاف‌پذیری، بسیار پایین‌تر از نمرات پسران در سطح بالای انعطاف‌پذیری خانواده است. این تحلیل نشان می‌دهد که عمده این تعامل در حیطة «ایدئولوژیک» از بُعد اکتشاف وجود دارد. در واقع پسران در خانواده‌های با انعطاف‌پذیری بالا شدیداً به فعالیت‌های اکتشافی در خصوص حیطة‌های «ایدئولوژیک» می‌پردازند، در حالی‌که این افزایش فعالیت در دختران از خانواده‌های دارای انعطاف‌پذیری بالا، به خانواده‌های دارای انعطاف‌پذیری پایین مشاهده نمی‌شود.

تأثیر تعاملی جنسیت، سطوح بالا و پایین انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده بر نمرات «اکتشاف بین فردی»:

الف) سطوح بالا و پایین انسجام خانواده تأثیر معنی‌داری را در سطح ۰/۰۱۷ بر نمرات «اکتشاف بین فردی» داشته‌اند. قبلاً در بررسی تأثیر انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده بر نمرات «اکتشاف» مشاهده کردیم که سطوح انسجام خانواده تأثیر معنی‌داری بر نمرات «اکتشاف» دارند و در اینجا مشخص می‌شود که این تأثیرگذاری فقط در حیطة «بین فردی» بُعد اکتشاف وجود دارد. به این صورت که خانواده‌های دارای سطح انسجام بالا نسبت به خانواده‌های دارای سطح پایین انسجام، نمرات بهتری را در بُعد «اکتشاف بین فردی» ایجاد می‌کنند.

ب) سطوح بالا و پایین انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده، بصورت تعاملی تأثیر معنی‌داری را در سطح ۰/۰۲۶ بر نمرات «اکتشاف بین فردی» داشته‌اند. بدین صورت

که در سطح بالای انعطاف‌پذیری خانواده، سطوح بالا و پایین انسجام تأثیر تقریباً مساوی بر نمرات «اکتشاف بین فردی» داشته‌اند. اما وقتی انعطاف‌پذیری خانواده پایین است، تأثیر سطح بالای انسجام خانواده، در ایجاد «اکتشاف بین فردی» بیشتر از سطح پایین انسجام است. به نظر می‌رسد که وقتی سطح انعطاف‌پذیری خانواده بالاست، سطوح انسجام خانواده بی‌تأثیر می‌شوند. اما وقتی سطح انعطاف‌پذیری پایین است، سطوح انسجام تعیین‌کننده می‌شوند. به این صورت که سطح بالای انسجام خانواده نسبت به سطح پایین انسجام، نمرات «اکتشاف بین فردی» بالاتری را ایجاد می‌کند. به نظر می‌رسد که در این مورد انعطاف‌پذیری خانواده تعیین‌کننده‌تر از انسجام باشد. چون زمانی که انعطاف‌پذیری بالاست، انسجام تأثیر خود را نشان نمی‌دهد و در درجه دوم نیز سطح انسجام بالاتر مهم‌تر از سطح پایین انسجام است و باعث نمرات بهتری می‌شود. تأثیر تعاملی جنسیت، سطوح بالا و پایین انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده بر نمرات «تعهد ایدئولوژیک»:

ملاحظه می‌کنیم که انسجام خانواده بیشترین تأثیر را بر «تعهد ایدئولوژیک» داشته است، که آن هم به سطح معناداری آماری نرسیده است. به این ترتیب این سؤال پیش می‌آید که چرا تأثیر خانواده بر تعهد ایدئولوژیک نوجوانان کم است؟ به نظر می‌رسد که جوانان و نوجوانان در زمینه ایدئولوژیک، کمتر تحت تأثیر خانواده هستند و در این سنین جو خانواده بر تعهدات ایدئولوژیک کم تأثیر می‌شود. بسیاری از تحقیقات این مسأله را تأیید کرده‌اند که در سنین نوجوانی تأثیر عوامل خارج از خانواده مخصوصاً گروه همسالان زیادتر می‌شود و زمانی که نوجوانان وقت کمتری را با اعضای خانواده می‌گذرانند همسالان بطور فزاینده‌ای بااهمیت می‌شوند. به قول برک (۱۳۸۲)، روابط دوستی صمیمانه فرصت‌هایی را برای کاوش کردن خود و پرورش درک عمیق دیگران فراهم می‌کند، دوستان نوجوان از طریق ارتباط آزاد و صادقانه نسبت به قوت‌ها، ضعف‌ها، نیازها و امیال یکدیگر حساس می‌شوند و این فرایند به رشد خودپنداره، درک دیگران، هویت و روابط صمیمی فراتر از خانواده کمک می‌کند (برک، ۱۳۸۲). بنابراین کم شدن تأثیر خانواده بر تعهد ایدئولوژیک در این سنین را می‌توان به این صورت توجیه نمود.

علت دیگر شاید این باشد که جوانان در زمینه مسائل ایدئولوژیک (سیاسی، ارزشی، شغلی، مذهبی) بصورتی جهانی و فراتر از خانواده و فرهنگ خاص خود فکر می‌کنند و در این گونه مسائل نوجوانان و جوانان از خانواده تأثیرپذیری کمتری دارند، در این سنین

است که تازه به تفکر صوری دست می‌یابند و دوست دارند آن را به کار ببرند. تفکر انتزاعی به نوجوانان امکان می‌دهد که از دنیای واقعی فراتر رفته، به احتمالات فکر کنند و دنیای آرمانی و کمال را به روی آنها می‌گشاید. به همین خاطر نوجوانان می‌توانند نظام‌های خانوادگی، مذهبی، سیاسی و اخلاقی دیگر را تجسم نموده و دوست دارند آنها را کاوش کنند. آرمان‌گرایی نوجوانان آنها را به سمت ساختن رؤیایی بزرگ و دنیایی بی‌نقص هدایت می‌کند و آنها نمی‌توانند کاستی‌های زندگی روزمره را تحمل کنند (برک، ۱۳۸۲)، و این گونه به نظر می‌رسد که، نوجوانان تقریباً مستقل و خارج از تأثیرات خانواده به مسائل ایدئولوژیک می‌پردازند.

تأثیر تعاملی جنسیت، سطوح انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده بر نمرات «تعهد بین فردی»:

تأثیرگذاری انسجام بر «تعهد» فقط در حیطه «بین فردی» وجود دارد و این تأثیرگذاری در سطح ۰/۰۰۱ معنی دار است. به این صورت که هر چه انسجام خانواده بالا برود تعهد بین فردی نیز افزایش خواهد یافت. این موضوع، با نتیجه تحقیق مالیس و دیگران (۲۰۰۳) هم‌سو است. آنها در نتیجه پژوهش خود گزارش می‌کنند که رابطه مثبت و معناداری در سطح ۰/۰۰۱ بین انسجام خانواده و تعهد بین فردی وجود دارد و انسجام خانواده بصورتی مثبت و در سطح ۰/۰۰۱ تعهد بین فردی را پیش‌بینی می‌کند. به نظر می‌رسد که علت این نتیجه، نزدیکی و یکسانی زیاد دو مفهوم «انسجام خانواده» و «تعهد» در حیطه «بین فردی» است. آلسون (۱۹۹۹) می‌گوید: انسجام خانواده؛ احساس همبستگی، پیوند و تعهد عاطفی است که اعضای یک خانواده نسبت به هم‌دیگر دارا هستند. لینگرن (۲۰۰۳)، انسجام را به صورت نزدیکی عاطفی با افراد دیگر تعریف می‌کند. از نظر او دو کیفیت مربوط به انسجام خانواده مشتمل بر «تعهد» و «وقت گذاشتن با همدیگر» است.

وقتی انسجام خانواده بالا باشد، اعضای خانواده پیشرفت، شادی و رفاه هم‌دیگر را می‌خواهند و هرگاه یکی از اعضای خانواده دچار مشکل شود حاضرند که برای رفع آن کار کنند. خانواده‌هایی که در بُعد انسجام قوی هستند بطور مرتب برنامه و زمان‌هایی را برای فعالیت‌های گروهی در نظر می‌گیرند. به این ترتیب با وجود تشابه زیاد بین «انسجام خانواده» و «تعهد بین فردی» رابطه مثبت و قوی بین این دو مفهوم توجیه می‌گردد.

منابع

- آقامحمدیان، حمیدرضا و سعید (۱۳۸۲) «مفهوم و فرایند شکل‌گیری هویت، تأثیر عوامل اجتماعی، اصلاح و درمان مسائل هویت». *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، مشهد: دانشگاه فردوسی، جلد چهارم، شماره اول، ص ۲۲۶ - ۱۹۹.
- برک، لورا. ای (۱۳۸۲) *روان‌شناسی رشد*، ترجمه حمزه گنجی، تهران: انتشارات آرسباران.
- رضویه، اصغر و سیامک سامانی (۱۳۷۹) «مقایسه همبستگی خانوادگی دختران و پسران به پدر و مادر»، *چهارمین سمینار بهداشت روانی و اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان*. زنجان: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی.
- سامانی، سیامک (۱۳۸۱) «مدل علی برای همبستگی خانوادگی، استقلال عاطفی و سازگاری»، *پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی تربیتی*، دانشگاه شیراز.
- سامانی، سیامک و محمدخیر (۱۳۸۲) «بررسی و مقایسه میزان اعتقاد به ارزش‌ها در گروه‌های سنی مختلف دختران و پسران دانش‌آموز و دانشجو در شهر شیراز». شیراز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شاکری، شماره (۱۳۸۲) «بررسی تأثیر میزان انعطاف‌پذیری خانواده بر بهداشت روانی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شیراز»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته مدیریت دولتی*، دانشگاه شیراز.
- گلاسر، ویلیام (۱۳۸۰) *مدارس بدون شکست*، ترجمه حمزه سادات، تهران: انتشارات رشد.
- ماسن، پاول هنری و دیگران (۱۳۷۰) *رشد و شخصیت کودک*، ترجمه مهشید یاسایی، تهران: نشر مرکز.
- وندز زندن، جیمز (۱۳۷۶) *روانشناسی رشد*، ترجمه حمزه گنجی، تهران: انتشارات بعثت.
- Adams, G. R & Jones, R. M (1983), "female adolescents, identity development: age comparisons and perceived child rearing experiences". *Developmental Psychology*, vol. 19, 249-256.
- Adams, G. R., Ryan, J. H., Hoffman, F. F, Dobson, W. R & Wiclsen, E. C (1985), "Ego identity status, conformity behavior and personality in late adolescence". *Journal of Personality and Social Psychology*, vol. 47, 1091 - 1104.
- Balistreri, E. ,Busch-Rossnagel, N. A, (1995), "Development and preliminary validation of the ego identity process questionnaire" *Journal of Adolescence*, vol. 18, 179-192.
- Barnes, H. L. & Olson, D. H (1985), "Parent-adolescent Communication and the Bartel-Haring, S (1997), "The relationship among Parent-adolescent differentiation, sex role orientation identity development in adolescence and adulthood" *Journal of*

Adolescence, vol. 20, 535-563.

Bishop, D. L. ,Macy Lewis, A. J. , Schenkloth, G. A. , Puswella, s. & Struessel, G. L (1997), "Ego identity status and reported alcohol consumption study of first year college students" *Journal of Adolescence*, vol. 20, 209-218.

Estein, N, Bishop, D & Levin, s (1978), "The McMaster model of family functioning". *Journal of Marriage and Family Counseling*, vol. 4, 19-31.

Grotevant, H. & Cooper, C (1985), "Patterns of interaction in family relationship and the development of identity and role-taking skill in adolescence", *Child Development*, vol. 56, 415-428.

Lingren, H. g (2003), "Creating Sustainable Families. published by cooperative extension institue of Agriculture and natural resources". university of Nebraska-Lincoln. available by internet: www.ianr.unl.edu/pubs/family/g_1269.htm>.[1383].

[online].<http.

Makstrom-Adams, C, Ascione, F. R, Braegger, D & Adam, J. R (1993), "Promotion of ego identity development, can shorterm intervention facilitates growth". *Journal of Adolescence*, vol. 16, 217-224.

Marcia, J. E (1966), "Development and validation of ego identity status and expressive writing among high school and college students". *Journal of Youth and Adolescence*, vol. 8, 327-342.

Mullise, R. L, Brailsford, J. C & Mullis, A. K. (2003), "Relation between Identity formation and family characteristics among young adults". *Journal of family Issues*, vol. 24, 966-980.

Olson, D. H, (1999), Circumplex model of marital & family systems. Available by internet [online].<http. www.lifeinnovations.com> [1383].

Samani, S (2004), "Developing a family cohesion scale for Iranian adolescents". *presented in 28th international congress of psychology*. Aug 8-13, Beijing. china.